



انشاءالله رحمتی: کربن، سلمان را یک شخصیت رازآمیز می خواند/ تفکر ابن عربی شیعی است

انشاءالله رحمتی، سردبیر مجله اطلاعات حکمت و معرفت گفت: سلمان فارسی در آثار هانری کربن، یک شخصیت رازآمیز و در هاله ای از ابهام و واقعیت است.

انشاءالله رحمتی، سردبیر مجله اطلاعات حکمت و معرفت گفت: سلمان فارسی در آثار هانری کربن، یک شخصیت رازآمیز و در هاله ای از ابهام و واقعیت است.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست نقد و بررسی آراء هانری کربن عصر روز گذشته در اندیشگاه فرهنگی کتابخانه ملی با سخنرانی انشاءالله رحمتی برگزار شد.

رحمتی در ابتدای سخنانش به بیان دیدگاه های کربن درباره صوفیه پرداخت و گفت: کربن نسبت تشیع و تصوف را یک نسبت فراتاریخی می داند و نه یک نسبت لزوما تاریخی. یکی از تلقی هایی که از تصوف وجود دارد این است که صوفیان حق تشیع را نادیده گرفته اند و ناسپاس هستند، نظر کربن به تبع تلاش کسانی مثل ملاصدرا این است که صوفیان فرزندان ناسپاس نیستند بلکه فرزندان هستند که از اصل و نسب خود غافلند و باید به خانه پدر و مادر خود برگردند.

وی افزود: معنای ولایت برای کربن بسیار پرمعنا است و معنی کلمه ولی که برای ما معنی حب و دوستی می دهد برای کربن مقداری متفاوت است و برداشت یکسانی با ما ندارد. همچنین تعبیر کربن از نسبت ابن عربی و تشیع این گونه است؛ شیعیان سرمایه خویش را نزد ابن عربی یافته اند به این معنا که شیعیان تا قبل از ابن عربی، بسیاری از حقایق که در این مذهب بود را مورد توجه قرار نداده بودند در واقع انگار شیعه بخش زیادی از قابلیت خود را نزد ابن عربی یافت. بنابراین کل ابن عربی یک تفکر شیعی است. به همین دلیل هم بسیاری از بزرگان شیعه مثل شیخ بهایی، ابن عربی را شیعه می دانند چرا که تفکر ابن عربی شیعی است.

رحمتی در ادامه به نقش سلمان فارسی و مباحثی که ابن عربی درباره سلمان فارسی داشته است، پرداخت و توضیح داد: اسلام ایرانی که کربن می گوید یک مفهوم نیست بلکه مابه ازای آن انسان ایرانی است. از نظر او نمونه برتر این انسان ایرانی سلمان فارسی است. استاد کربن، لویی ماسینیون هم برای اولین بار جهان غرب را با شخصی مثل سلمان مواجه کرد و در کتاب «سلمان پاک»؛ درباره شخصیت نخستین مسلمان ایرانی مفصل نوشت. پس از او هم دکتر شریعتی این راه را ادامه داد. سلمان فارسی برای کربن به دو دلیل اهمیت دارد. اول اینکه نماینده اسلام و انسان ایرانی است، دوم اینکه سلمان پذیرفته ترین شخصیتی است که در حالی که معصوم نیست ولی به ولایت رسیده است. پیامبر (ص) هم سلمان فارسی را جزو اهل بیت خود می دانست.

سردبیر مجله اطلاعات حکمت و معرفت در ادامه اضافه کرد: در آثار هانری کربن، سلمان فارسی یک شخصیت رازآمیز و در هاله ای از ابهام و واقعیت است. سلمان فارسی عمر زیادی کرده و دهقان زاده ای اهل فارس بوده است. طلب حقیقت، او را ناآرام کرده و با اینکه زرتشتی بوده ولی به دنبال حقیقی بالاتر می رود و نهایتا به پیامبر اسلام می رسد و ایمان می آورد. آنقدر هم ایمانش راسخ بوده که جزو نزدیک ترین اصحاب پیامبر (ص) می شود. با وجود همه اینها در مورد او اغراق هم شده است به خصوص در متون اسماعیله که او را یک شخصیت فراتاریخی نامیده اند. هانری کربن هم در آثار خود از سلمان فارسی به عنوان صحابی «نداشد»؛ مرشد پیامبر یاد می کند.

این استاد فلسفه اضافه کرد: ابن عربی حرف هایی علیه شیعیان دارد که آنها را آزار می دهد و به همین دلیل هم عده ای او را شیعه ستیز می دانند ولی کربن کاری به این حرف ها ندارد و به آنها توجه نمی کند چون معتقد است شیعیان معصوم نیستند پس نقدشان اهمیتی ندارد البته به این موضوع توجه کنید که نقد شیعیان با نقد تشیع فرق دارد. همچنین ابن عربی از ولایت دو مفهوم دارد؛ ولایت مطلق و ولایت مقید. منظور از ولایت مطلق کل ولایتی است که در عالم حاکم است و ولایت مقید تحت ولایت مطلق قرار می گیرد. به عقیده ابن عربی ولایت مطلق به عیسی (ع) و ولایت مقید به خودش ختم شده است البته این تصور برای شیعیان سخت است چون از منظر تشیع، ولایت مطلق، پیامبر (ع) است.

وی ادامه داد: کربن در آثارش در رابطه با این موضوع نوشته است که ابن عربی چنین منظوری که شیعیان برداشت می

کنند را نداشته و دعوا را قیصری که شرح فصوص را نوشته آغاز کرده چرا که قیصری می گوید ابن عربی گفته ختم ولایت مطلق با عیسی(ع) و ختم ولایت مقید با ابن عربی است ولی کرین می گوید مشکل قیصری این است که یک رویا را به مرتبه تاریخ قدسی ارتقا داده است یعنی به لحاظ معرفتی مکاشفه اعتبار ندارد و کسی حتی با دیدن رویای صادق نمى تواند آن را به عنوان بحث معرفتی بیان کند چه برسد به اینکه چیزی که ابن عربی از آن سخن می گوید کشف است. تاریخ قدسی عینیت دارد اما مکاشفه ابن عربی یک بحث شخصی است و نه یک تاریخ قدسی. به بیان دیگر می توان گفت تاریخ قدسی آفاقی – انفسی است ولی مکاشفه فقط انفسی است.

وی در پایان گفت: کرین معتقد است که نقدهایی که به ابن عربی شده مربوط به قیصری است نه ابن عربی البته در مورد این موضوع که چرا ابن عربی به جای اینکه بگوید امام علی(ع) حاکم ولایت است عیسی (ع) را خاتم دانسته خود نکته ای است که جای بحث دارد و نقدهای بسیاری هم راجع به آن نوشته شده است که خود جلسه دیگری را می طلبد.